

Urban Geopolitics and Explaining the Concept of Rivalry

Zahra Ahmadipour ^{1*}, Meysam Mirzaei Tabar ²

¹ Professor of Political Geography, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran

² PhD Candidate of Political Geography, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran

Abstract

The spread of urbanism, cities spatial and physical development and their role in economic, political, cultural arenas have caused different players to try to control urban spaces and also to increase their sphere of influence which creates special landscapes and specific forms in cities. The spread and variety of issues and the apparent role of politics and power in cities both at national and international level have attracted the attention of political geographers and geopolitician and resulted in the formation of the new branch of geopolitics entitled "urban geopolitics". Urban geopolitics studies mutual relations between geography, power and politics in urban spaces and places that the consequence of the relations is competition between urban elements and its spatial reflection. The purpose of this article, using the descriptive-analytic method and library resources, is to explain the concept of "rivalry" in urban geopolitics and its spatial reflections in the cities considering theories of political economy and urban political ecology. The research argues that "rivalry" is a key concept in urban geopolitics that spatial reflections of which in urban elements can be discussed within the framework of peaceful and violent actions in different scales from local to global levels such as rivalries of cities at international level for hosting the Mega-Events, creating landscapes and symbols, and urban conflicts.

Key words: City, Rivalry, Urban Geopolitics, Political Economy, Political Ecology.

ژئوپلیتیک شهری و تبیین مفهوم رقابت

زهرا احمدی‌پور^{*}: استاد جغرافیای سیاسی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران

میثم میرزایی تبار: دانش‌آموخته دکتری جغرافیای سیاسی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران

وصول: ۱۳۹۴/۱۰/۱۵ پذیرش: ۱۳۹۵/۰۴/۳۰، صص ۳۴-۱۳

چکیده

گسترش شهرنشینی، توسعه فضایی و کالبدی و افزایش اهمیت و نقش شهرها در عرصه‌های اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و ... زمینه‌ساز توجه بیشتر و تلاش کنشگران شهری برای به‌کنترل‌درآوردن فضاها و افزایش حوزه نفوذ، رقابت و خلق مناظر و ریخت خاصی در شهرها شده است. گسترش و تنوع مسائل و بارز شدن نقش سیاست و قدرت در شهر، هم در سطح ملی و هم در سطح بین‌المللی، موجب توجه جغرافیای سیاسی و ژئوپلیتیک به فضاها و شکل‌گیری شاخه‌ای جدید از ژئوپلیتیک با عنوان «ژئوپلیتیک شهری» شده است. ژئوپلیتیک شهری، روابط متقابل جغرافیا، قدرت و سیاست را در فضاها و مکان‌های شهری بررسی می‌کند که برآیند این روابط، شکل‌گیری رقابت میان عناصر شهری و بازتاب فضایی حاصل از آن است. هدف مقاله حاضر که با بهره‌گیری از روش توصیفی - تحلیلی و منابع کتابخانه‌ای به انجام رسیده است، تبیین مفهوم «رقابت» در ژئوپلیتیک شهری با توجه به نظریات اقتصاد سیاسی و اکولوژی سیاسی شهر و بررسی بازتاب‌های فضایی آن در شهر است. نتایج نشان می‌دهد «رقابت» از مفاهیم کلیدی در ژئوپلیتیک شهری است و بازتاب‌های فضایی رقابت عناصر شهری در قالب اقدامات مسالمت‌آمیز و خشونت‌آمیز در مقیاس‌های مختلف از سطح محلی تا جهانی از قبیل رقابت‌های شهرها در سطح بین‌المللی برای میزبانی رویدادهای بزرگ، خلق مناظر و نمادها و خشونت‌ها و درگیری‌های شهری جای بحث دارد.

واژه‌های کلیدی: شهر، رقابت، ژئوپلیتیک شهری، اقتصاد سیاسی، اکولوژی سیاسی.

مقدمه

بیان مسئله

تغییرات گسترده و تأثیرگذار در سطوح مختلف در فضای شهری به وقوع می‌پیوندد و شهرها، نقش‌آفرین و کانون اصلی تحولات سیاسی سطح ملی و جهانی، مراکز قدرت و سرمایه و نقاط کانونی شکل‌گیری رقابت‌های مختلف در عرصه ملی و فراملی به شمار می‌روند. بررسی هندسه جدید قدرت در شهر و تبیین روابط فضایی عناصر قدرت، زمینه را برای شکل‌گیری ژئوپلیتیک شهری فراهم کرده است.

برای ژئوپلیتیک تعاریف متعددی ارائه شده است. این علم دوره‌های تاریخی مختلفی را طی کرده و تحولات موضوعی گوناگونی داشته است. مفاهیم جغرافیا، سیاست و قدرت و برآیند روابط متقابل آنها یعنی رقابت از عناصر اصلی ساختار این علم‌اند و قلمرو موضوعی آن نیز از مقیاس محلی تا ملی، منطقه‌ای و جهانی را شامل می‌شود.

دیرزمانی نگرش به ژئوپلیتیک کروی و مقیاس عملکردی آن جهانی بود؛ اما با پیشرفت و غنی‌شدن محتوای آن و وقوع تحولات مختلف، ژئوپلیتیک علاوه بر فضای جهانی در فضاهای خرد نیز نقش‌آفرین شده است.

یکی از مقیاس‌های خرد فضایی که اکنون کانون تحولات و تصمیم‌گیری‌ها در سطح ملی و فراملی نامیده می‌شود، فضای شهر است. با گذشت زمان، هر روز بر توسعه فضای شهرها در مقایسه با فضاهای روستایی افزوده شده است. تشدید روند شهرنشینی و توسعه فضایی و اهمیت یافتن شهرها در ابعاد مختلف در سطح ملی و جهانی، به این فضا ماهیتی ژئوپلیتیکی

بخشیده و آن را به عرصه ظهور مؤلفه‌های اصلی ژئوپلیتیک تبدیل کرده است.

ژئوپلیتیک شهری، اصطلاح جدیدی برای تحلیل روند تحولات حاکم بر شهرها و تلاشی برای بازنمایی و تحلیل رویدادهای شهری در قالب روابط بین جغرافیا، قدرت و سیاست است. در این چهارچوب، مفهوم رقابت و چگونگی سازماندهی نیروهای رقیب و بازتاب فضایی آن در شهر، بنیان ژئوپلیتیک شهری به شمار می‌آید.

به نظر می‌رسد با رشد و توسعه مراکز شهری و توجه بیش از پیش به این فضاهای جغرافیایی، تحولات جهانی آینده در ابعاد مختلف، ریشه در فضای شهرهای کانونی و مطرح جهان خواهند داشت و ژئوپلیتیک شهری و سیاست، قدرت و رقابت به‌منزله مفاهیم اصلی آن، بروز و ظهور پررنگ‌تری پیدا خواهد کرد؛ بنابراین پرداختن به مباحث رقابت و ژئوپلیتیک شهری، چگونگی مسیر تحولات شهری را شفاف و تشریح می‌کند.

مهم‌ترین اهداف این پژوهش، تشریح و واکاوی مفهوم ژئوپلیتیک شهری و عناصر آن، مفهوم‌سازی و افزودن بر ادبیات مربوط به ژئوپلیتیک شهری، تبیین مفهوم رقابت در ژئوپلیتیک شهری و تحلیل مصادیق و نمودهای شکل‌گیری رقابت در فضای شهر در سطوح ملی و فراملی است.

پیشینه پژوهش

در زمینه پیشینه پژوهش، به علت نوظهور بودن مفهوم ژئوپلیتیک شهری، یافته‌ها و منابع غنی درباره آن محدود و ادبیات آن در حال تدوین و توسعه است.

ابعاد ژئوپلیتیک را بررسی می‌کند که در تولید، افزایش و کاهش قدرت سیاسی شهری مؤثر است.

در منابع لاتین نیز مقالاتی درباره ژئوپلیتیک شهری نگاشته شده است که رویکرد آنها به تحلیل ژئوپلیتیک شهری بیشتر به وقوع خشونت‌های شهری مربوط است.

پژوهش حاضر رویکردی متفاوت از پژوهش‌های پیشین دارد و با تشریح مفهوم ژئوپلیتیک شهری و تبیین مفهوم رقابت، ژئوپلیتیک شهری را فقط به وقوع خشونت‌ها در فضای شهر محدود نمی‌کند و نمودهای آن را در دو عرصه اقدامات مسالمت‌آمیز و خشونت‌آمیز تحلیل و مفهوم رقابت را در این عرصه‌ها تبیین می‌کند.

پرسش اصلی عبارت است از اینکه مفهوم «رقابت» چه نقش و کارکردی در ژئوپلیتیک شهری دارد و فرضیه نیز این است که به نظر می‌رسد نقش‌آفرینی شهرها، این فضا را برخوردار از قدرت و تبدیل به کانون رقابت میان عناصر و بازیگران شهری در سطوح محلی، ملی و فراملی کرده و منشأ شکل‌گیری دانش ژئوپلیتیک شهری شده است. مصادیق اصلی این رقابت‌ها، وقوع اقدامات مسالمت‌آمیز و خشونت‌آمیز، تلاش‌های جهانی برای میزبانی رویدادهای بزرگ و بعد سیاسی یافتن مناظر و نشانه‌های شهری است.

روش پژوهش

این پژوهش از نوع نظری و بنیادی است که با روش توصیفی - تحلیلی و با بهره‌گیری از منابع کتابخانه‌ای اعم از کتاب‌ها، مقالات و منابع اینترنتی ضمن تشریح ژئوپلیتیک شهری و ابعاد و عناصر آن، مفهوم رقابت را با ذکر مصادیق اصلی آن در این

ازجمله پژوهش‌های مرتبط در این زمینه در ایران مقاله قدیر صیامی و حسن خلیل‌آبادی با عنوان «ژئوپلیتیک شهری، رویکردی نوین در تحلیل‌های ژئوپلیتیک ایران» است که در شماره ۱۶ بهار و تابستان ۱۳۹۰ در فصلنامه جغرافیا و توسعه ناحیه‌ای منتشر شده است. این پژوهش به روش توصیفی - تحلیلی با اشاره به مبانی نظری ژئوپلیتیک شهری، بازنمودهای قدرت و رقابت میان شهرها، پیامدهای خشونت‌بار رسمی و غیررسمی علیه شهرها و کاربرد دانش ژئوپلیتیک شهری را در ایران تشریح و زمینه‌یابی کرده است.

پژوهش دیگر، رساله دکتری مرتضی قورچی با عنوان «تبیین شکل‌گیری شهرهای جهانی با تأکید بر پیشنهاد راهبرد جهان‌شهرشدن تهران» است که در تیرماه ۱۳۹۱ در دانشگاه تربیت مدرس از آن دفاع شد. این رساله براساس دیدگاه فضای جریان‌ها و شکل‌گیری شبکه‌های پیوندی با روش توصیفی - تحلیلی، روند تحول مکانی شهری به شهری جهانی را بررسی و تحلیل و وضعیت کلان‌شهر تهران و چگونگی ارتقای آن را به شهری جهانی در چهارچوب پیشنهادهای راهبردی بررسی کرده است.

اثر دیگر، مقاله رضا رحیمی و حسین گوهرزادگان‌منش با عنوان «تبیین کارکردی مفهوم ژئوپلیتیک شهر با تأکید بر مفهوم قدرت سیاسی» است که در هفتمین کنگره انجمن ژئوپلیتیک ایران با عنوان جغرافیای سیاسی شهر در تاریخ‌های ۲۷ و ۲۸ بهمن ۱۳۹۳ در دانشگاه خوارزمی ارائه شد. این مقاله با پذیرش نقش پررنگ شهرها در بازی قدرت میان سازمان‌ها و نهادهای مرتبط با اداره سرزمین و تأکید بر اینکه قدرت تولیدشده یا تحلیل‌رفته در اثر کنش‌های انسانی شهر در قدرت ملی مؤثر است، آن دسته از

فضا، سیاست و قدرت ایجاد کرد که تبلور آن در مباحث ژئوپلیتیک و موضوعات مرتبط است.

شهر همواره با سیاست در ارتباط بوده است. مروری بر واژه‌شناسی آن در زبان‌های مختلف نشان می‌دهد تمامی واژه‌هایی که برای بیان شهر به کار گرفته می‌شود، به نوعی بر نظم، مدنیت، حکومت و برتری یک طبقه یا قشر اجتماعی تأکید دارند. واژه «سیاست» (politics) برگرفته از واژه یونانی «پولیس» (polis) به معنای شهر است. در واقع سیاست در معنی یونانی، علم حکومت بر شهر بوده است و حتی برخی اندیشمندان، سیاست را علم شهرها نامیده‌اند (عالم، ۱۳۷۸: ۲۳ و ۲۴). با افزایش نقش شهرها در تحولات جهانی و تأثیرگذاری آنها در قدرت و سیاست، مفهوم ژئوپلیتیک شهری نیز مطرح شد.

در چهارچوب دیدگاه‌های پسانوگرایی، ژئوپلیتیک فقط رقابت کشورها بر سر کنترل سرزمین نیست؛ بلکه دامنه موضوعی آن گسترش یافته و از نظر مقیاس کارکردی، علاوه بر مقیاس‌های جهانی، منطقه‌ای و ملی، به مقیاس‌های فروملی مانند نواحی و شهرها نیز متمایل شده است (Flint, 2006: 33).

سراغاز و نقطه عطف ژئوپلیتیک شهری سال ۲۰۰۳ میلادی بود. در این سال، مراکز دانشگاهی فرانسه، کانادا و گابن در آفریقا نخستین بار کنفرانس‌های بین‌المللی در زمینه ژئوپلیتیک شهری برگزار کردند که دانشگاه‌های عمر بونگو از لیبرویل در گابن، دانشگاه متز فرانسه و دانشگاه اتاوا کانادا در مطالعات ژئوپلیتیک شهری پیش‌تاز محسوب می‌شوند (خلیل‌آبادی، ۱۳۹۰: ۷۵). اصطلاح «ژئوپلیتیک

چهارچوب و ارزیابی فرضیه تبیین می‌کند. در واقع ارزیابی فرضیه به صورت کیفی انجام می‌شود. متغیر وابسته پژوهش نیز ژئوپلیتیک شهری و متغیر مستقل، مفهوم رقابت است.

درباره قلمرو پژوهش، این پژوهش مفهوم رقابت را در ژئوپلیتیک شهری در محدوده شهر و در مقیاس‌های مختلف از سطح محلی تا ملی، منطقه‌ای و جهانی بررسی و تبیین می‌کند.

مبانی نظری پژوهش

شهرنشینی و ژئوپلیتیک شهری

اقتصاد در شهرنشین شدن و معرفی آن به منزله الگوی زیست انسان نقشی اساسی داشته است؛ به گونه‌ای که مازاد تولید کشاورزی و وقوع انقلاب صنعتی را باید متغیرهای تعیین‌کننده‌ای در این فرایند دانست.

توزیع جمعیت و شهری شدن جوامع که از انقلاب صنعتی آغاز شد، در نیمه دوم قرن بیستم به کشورهای جهان سوم تسری یافت و با افزایش مناطق شهری و کلان‌شهری و نقش‌یابی شهرها در فرایند جهانی شدن و اقتصاد اطلاعاتی، ابعاد تازه و پیچیده‌ای به خود گرفت (کمانرودی کجوری و همکاران، ۱۳۸۹: ۱۰).

روند رو به رشد جمعیت شهرها، چهره شهرها را متفاوت و متنوع‌تر از پیش در ابعاد مختلف سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، سبک معماری و ... کرده است و اکنون به کانون تحولات مهم در عرصه داخلی کشورها و همچنین در عرصه بین‌المللی و جهانی تبدیل شده‌اند. شهرنشینی و شهرگرایی ساکنان کره زمین، تحولاتی را نیز در مفاهیم مربوط به شهر شامل

یا خشونت و تضعیف دموکراسی و واگرایی مخرب نیروهای سازنده شهر می‌شود. این تعامل یا تقابل قدرت از مهم‌ترین موضوعات ژئوپلیتیک شهری است.

ژئوپلیتیک شهری دو ویژگی اصلی ژئوپلیتیک را توصیف می‌کند: از یک سو ژئوپلیتیک به رده، مقیاس و ساختار ویژه‌ای تعلق ندارد و فراگیر است و رقابت‌های بین شهرها به همان اندازه که در مقیاس جهانی در میان کشورها وجود دارد، در سرزمین‌های ملی و در درون شهرها و حتی محله‌ها نیز جاری است؛ از سوی دیگر ژئوپلیتیک شهری تجزیه و تحلیل رقابت موجود در دل یک شهر و حتی یک منطقه شهری را میان محله‌ها، خیابان‌ها یا بین قسمت‌های مختلف همان شهر به تصویر می‌کشد (خلیل‌آبادی، ۱۳۹۰: ۷۸).

در مجموع در فضای امروز شهرها، نیروهای فعال با اهداف سودمحورانه و اعمال حاکمیت، کنترل فضاهای شهری و کسب قدرت، در رقابت با یکدیگرند. این تلاش از سطح محلی و داخل محله‌های یک شهر تا سطح ملی و میان شهرها و تا سطح جهانی میان شهرها در قلمرو کشورها وجود دارد. برآیند این مسئله، شکل‌گیری فضایی رقابتی میان آنهاست که نمود آن در جهت مثبت و پیشرفت شهر یا در جهت منفی و وقوع نزاع‌های شهری است. این مسائل و بازتاب‌های آن در چهارچوب ژئوپلیتیک شهری قابل طرح، بحث و ارزیابی است.

بر بررسی مفاهیم قدرت، سیاست و جغرافیا و رقابت به‌منزله برآیند این سه مفهوم در فضای شهر، در دو نظریه اکولوژی شهری و اقتصاد سیاسی شهر بیش از سایر نظریه‌ها تأکید شده است.

شهری» را «استفان گراهام»^۱ با تألیف کتاب «شهرها، جنگ و تروریسم؛ به سوی یک ژئوپلیتیک شهری» در سال ۲۰۰۳ وارد ادبیات ژئوپلیتیک کرد (Ingram and Klaus, 2009: 267).

مفهوم ژئوپلیتیک شهری

ژئوپلیتیک شهری به دنبال این است که شهر و مناطق آن چگونه به سامان‌یابی روابط قدرت تن داده و بازتاب این روابط چگونه بر توسعه کالبدی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی شهر مؤثر است و برای واکاوی نقش قدرت سیاسی در برابر شهر و ساکنانش از دیدگاه دانش اجتماعی تلاش می‌کند (Graham, 2004: 24).

مفهوم قدرت در کانون مطالعات ژئوپلیتیک شهر قرار دارد. شهرها به‌منزله پدیده‌ای جغرافیایی نقش زیادی در بازی قدرت میان سازمان‌ها و نهادهای مرتبط با اداره سرزمین ایفا می‌کنند. موقعیت و فرایندها و تحولات فضای جغرافیای شهر در ابعاد سیاسی، اقتصادی و فرهنگی منجر به اهمیت ژئوپلیتیکی آن شده است؛ به همین دلیل گردانندگان حکومت و دولت در سطح ملی و محلی ناگزیر از لحاظ‌کردن شهر و تحولات آن در اداره قلمرو خود هستند (کمانرودی کجوری و همکاران، ۱۳۸۹: ۳۳).

ژئوپلیتیک شهری مبنای نظری خود را بر ماهیت قدرت و برآیند آن یعنی رقابت و پیامد آن را بر فضاهای شهری قرار داده است. اصطکاک نیروها میان احزاب سیاسی، طبقات اقتصادی و گروه‌های فرهنگی - قومی یا میان جامعه مدنی با حاکمیت محلی یا ملی، گاه منجر به مشارکت شهروندان در توسعه شهر

¹ Stephen Graham

اکولوژی سیاسی شهر

ریچارد هرد^۱ در اثر خود با عنوان *ارزش زمین‌های شهری* در سال ۱۹۰۳ میلادی با قیاسی اکولوژیک به شهر، عناصر شهرها را به اعضای بدن موجودات زنده تشبیه کرد و نوشت: با توجه به وابستگی‌های اجتماعی، شهر به‌مثابه موجودی زنده عمل می‌کند. در اینجا قلب شهر همان مرکز تجاری شهر است، شریان‌های آن را خیابان‌ها تشکیل می‌دهند، پارک‌ها شش‌های شهرها هستند، انبارهای راه‌آهن و باراندازها به‌مثابه دهان شهر عمل می‌کنند و به شهر غذا می‌رسانند و خطوط تلفنی و تلگرافی سیستم عصبی شهر را تشکیل می‌دهند (Berry and others, 1970: 12).

در ادامه، رابرت پارک^۲ و ارنست برگس^۳ نظریه «اکولوژی شهری» را ارائه کردند. آنها در دهه ۱۹۲۰ میلادی در گروه جامعه‌شناسی دانشگاه شیکاگو در زمینه پژوهش‌های شهری فعالیت داشتند. براساس این نظریه شهرها شبیه به فضاهای طبیعی‌اند که همان نیروهای آن را هدایت و کنترل می‌کنند که داروین درباره اکوسیستم‌های طبیعی از آنها سخن می‌گوید. این دو معتقدند مهم‌ترین این نیروها، رقابت است. تقاضا برای منابع محدود شهری به‌ویژه زمین، منجر به رقابت گروه‌های مختلف و تقسیم فضاهای شهری به نواحی اکولوژیکی مشخص می‌شود که در این نواحی، مردم ویژگی‌های اجتماعی مشخصی دارند؛ زیرا فشارهای اکولوژیکی مشابهی بر آنها وارد می‌شود. رقابت برای زمین و منابع منجر به تمایز فضاهای شهری و شکل‌گیری مناطق می‌شود که نواحی مطلوب، قیمت بیشتری دارند (Brown, 2002).

از نظر «پارک» شهر گذشته از اینکه متشکل از افراد انسانی، امکانات اجتماعی، خیابان‌ها، ساختمان‌ها، متروها، نهادها، بیمارستان‌ها و مدارس است، قلمرو روانی مشتمل بر مجموعه‌ای از شیوه‌های کاربردی، نگرش‌های سازمان‌یافته و احساسات را تشکیل می‌دهد؛ بنابراین شهر دو جنبه توأمان کالبدی و ماهیت انسانی دارد (وبر، ۱۳۷۰: ۵).

در اکولوژی شهری، شرایط آب‌وهوایی، توپوگرافی، پوشش گیاهی، خصیصه‌های اقتصادی، اجتماعی، مذهبی، قومی و نظام حکومتی در رابطه با ساخت داخلی شهرها، محل انتخابی گروه‌های انسانی و همه پدیده‌هایی مطالعه می‌شود که در محیط جغرافیایی شهر ظاهر می‌شوند (شکویی، ۱۳۶۵: ۶).

مکتب اکولوژی رابطه ارگانیزم و محیط متأثر از زیست‌شناسی داروینی را بررسی می‌کند. همان‌طور که در زیست‌شناسی در میان انواع موجودات تفاوت‌هایی وجود دارد و آنکه قوی‌تر است سلطه به وجود می‌آورد، در میان گروه‌های شغلی و طبقاتی نیز گروه قوی‌تر، مسلط‌تر است و کنترل شهر را به دست می‌گیرد؛ برای نمونه درختان در جنگل از راه نور کنترل جنگل را در دست می‌گیرند و بخش تجاری نیز در یک شهر با موقعیت مرکزی کنترل را در دست می‌گیرد و اعمال سلطه می‌کند (افروغ، ۱۳۷۷: ۹۶).

در همین ارتباط، اکولوژی سیاسی شهر نیز برنامه‌هایی سیاسی را توصیف می‌کند که درصدد بررسی روند پویای بازتولید شرایط خاص اجتماعی و سیاسی در شهرها هستند. به این معنا که اکولوژی سیاسی شهر روابط قدرت بین بازیگران انسانی و روابط سلسله‌مراتبی میان نهادهای انسانی و غیرانسانی را در فضای شهر مطالعه می‌کند (Zimmer, 2010:)

¹ Richard Herd

² Robert E. park

³ Ernest W. Burgess

طبقات با نفوذ اقتصادی و سیاسی، تخصیص منابع کمیاب را در حال و آینده مدیریت می‌کنند (شکویی، ۱۳۸۱: ۱۰۰).

در تحلیل اقتصاد سیاسی از مسائل شهری بر سه عامل اقتصاد بازار، رفاه اجتماعی و شیوه تولید تأکید می‌شود. این عوامل در سیستم‌های شهری و کارکرد آنها تأثیرگذارند؛ به گونه‌ای که با تأثیرپذیری از آنها به وجود می‌آیند و کارکرد آنها نیز بر اثر این سه عامل تعیین می‌شوند (شکویی، ۱۳۸۳: ۲۱)؛ در واقع شهر، محل روابط اقتصادی و سیاسی گسترده و کانون فعالیت‌های اقتصادی در نظام جهانی با ویژگی توزیع ناموزون ثروت و قدرت است.

هنری لفور معتقد است تضاد اصلی تولید فضا بین نیاز سرمایه برای سودآوری بیشتر از یک سو و نیازهای اجتماعی مصرف‌کنندگان از سوی دیگر است؛ یعنی تضاد بین سود و نیاز یا ارزش مبادله و مصرف. تبلور سیاسی این تضاد در مبارزه همیشگی اهداف و راهبردهای فردی و جمعی است که کانون توجه به مسائل شهری محسوب می‌شود. وی تأکید می‌کند شهر حاوی سه مفهوم فضا، زندگی روزمره و بازتولید روابط اجتماعی سرمایه‌داری است؛ زمینه فضایی عامی که با آن روابط تولید در تجربه روزمره و روابط اجتماعی سرمایه‌داری با استفاده روزمره از فضا بازتولید می‌شود؛ به دلیل آنکه فضا در تسلط سرمایه قرار گرفته است (Lefebvre, 1996: 100).

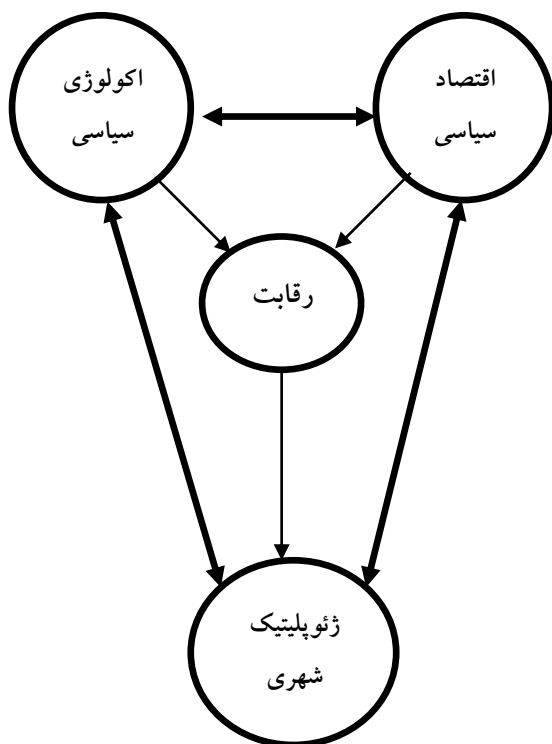
اقتصاد سیاسی شهر بر نقش سرمایه‌داری، نظم اقتصاد بین‌الملل، انباشت ثروت و قدرت، روابط طبقاتی و نقش دولت در شهر تأکید دارد. بر این اساس شهر سمبل نابرابری قدرت و ثروت است. رهیافت اقتصاد سیاسی به دنبال پاسخ به این پرسش

348). در چهارچوب نظری، اکولوژی سیاسی شهر به توسعه نامتوازن شهری در نتیجه روابط زیست‌محیطی و اجتماعی نابرابر در آن اشاره و روابط پیچیده تغییرات زیست‌محیطی، ویژگی‌های اجتماعی و اقتصادی شهر و فرایندهای سیاسی را مدنظر دارد (Fernández Álvarez, 2012: 89)؛ در واقع اکولوژی سیاسی شهری، فضای حاکم بر زندگی گیاهی و جانوری را در تلاش برای بقا و ادامه حیات و رشد در محیط شهر معادل‌سازی می‌کند. همچنان که رقابت و تنازع برای بقا در زندگی حیوانات و گیاهان بروز دارد و برای ادامه حیات بر سر دستیابی به منابع زیستی با یکدیگر رقابت می‌کنند و حتی درصدد نابودی هم برمی‌آیند، با توسعه شهری، افزایش جمعیت و کاهش منابع زیستی و فضا برای سکونت، ساکنان شهری نیز به پیروی از قانون طبیعت برای دستیابی به منابع مورد نیاز زندگی، زمین و فضای مناسب برای سکونت و فعالیت و همچنین کسب سود و ارتقای جایگاه خود رقابت می‌کنند. این موضوع منجر به جدایی‌گزینی در فضای شهر و تقسیم آن به طبقات مختلف اجتماعی براساس مؤلفه‌های دینی و مذهبی، قومی و نژادی، زبانی، اقتصادی و معیشتی می‌شود که در این میان مؤلفه اقتصاد و توان معیشتی اهمیت زیادی دارد و گروه‌های با توان اقتصادی برتر بر سایر گروه‌ها در دستیابی به فضاهای مناسب شهری غالب می‌شوند.

اقتصاد سیاسی شهر

اقتصاد سیاسی به رابطه سیاست و اقتصاد با تأکید خاص بر نقش قدرت در تصمیم‌گیری‌های اقتصادی توجه دارد و جریان‌هایی اجتماعی و نهادی را بررسی می‌کند که از طریق آن‌ها گروه‌های تصمیم‌گیرنده و

سطح منطقه‌ای و جهانی است که البته فضای عملکردی برون از مرزهای ملی با نفوذ اندیشه‌های جدید و اعمال سیاست‌های مطابق با استانداردهای بین‌المللی همراه است و رقابت، شکلی متفاوت از رقابت در سطح ملی و محلی پیدا می‌کند؛ بنابراین اقتصاد سیاسی شهری با خلق فضایی رقابتی، تقویت‌کننده ژئوپلیتیک شهری می‌شود.



مدل ۱. رابطه اقتصاد سیاسی، اکولوژی سیاسی شهر و

ژئوپلیتیک شهری

منبع: نگارندگان

یافته‌های پژوهش

قدرت و رقابت در فضای شهر

آنچه از ابتدای تشکیل شهرها و توسعه شهرنشینی جذب‌کننده افراد و عامل ارتقای جایگاه شهرها بوده است، اقتصاد و جذابیت‌ها و پتانسیل‌های اقتصادی و نهادینه کردن اجتماع، فرهنگ و سیاست خاص متأثر از

است که سیاست شهری در جهت منافع چه کسانی یا چه گروه‌هایی است (خلیل‌آبادی، ۱۳۹۰: ۱۱۶).

در مطالعات اقتصاد سیاسی شهر بر «شیوه تولید» نیز تأکید می‌شود. کارل مارکس^۱ واضع این اصطلاح است و از آن برای اشاره به تولید، مبادله و مصرف به موازات ترتیبات اجتماعی و سیاسی به‌هم‌پیوسته استفاده کرد که نظم اقتصادی را بازتولید می‌کنند. در کانون تحلیل اقتصادی وی از سرمایه‌داری، روابط سرمایه‌داران و کارگران قرار دارد. سرمایه‌داران نیروی کار کارگران را می‌خرند که در نظامی کنترل‌شده به تولید می‌انجامد و محصولات برای کسب سود در بازار رقابتی فروخته می‌شوند؛ بنابراین در فرایند پویای اقتصاد سرمایه‌داری، رقابت و تعارض بین کارگران و سرمایه‌داران وجود دارد (شورت، ۱۳۹۰: ۱۱۱).

نقطه اشتراک نظریه‌پردازان اقتصاد سیاسی تأکید بر نقش کنش انسانی و به‌ویژه بر نقش سردمداران اقتصادی و قدرتمندان سیاسی است. به اعتقاد آنها در ساختار نظام شهری برخی گروه‌ها سود می‌برند و برخی دیگر متضرر می‌شوند. در واقع اقتصاد سیاسی شهر همچون ژئوپلیتیک شهری به قدرت سیاسی و اجتماعی و اینکه تصمیمات شهری به سود افراد قدرتمند است، توجه می‌کند و تأکید دارد چگونه کشمکش‌های سیاسی و تصمیم‌گیری، تعیین‌کننده شکل فضای شهری است (خلیل‌آبادی، ۱۳۹۰: ۱۱۷).

در مجموع اقتصاد سیاسی شهر در مقیاس‌های عملکردی جهانی، منطقه‌ای، ملی و محلی برآیند تأثیرپذیری، شکل‌گیری فضای رقابتی میان اجزا و گروه‌ها و طبقات شهری در داخل و میان شهرها در

^۱ متفکر انقلابی، فیلسوف، جامعه‌شناس، تاریخ‌دان و اقتصاددان، Karl Marx، آلمانی (۱۸۱۸-۱۸۸۳)

در بعد ملی و هم جهانی قرار می‌گیرند و بعضی در بعد ملی و منطقه‌ای، بعضی فقط در بعد ملی و بعضی دیگر در منطقه خاصی در داخل کشور تأثیرگذارند. براساس هریک از ابعاد و انواع تأثیرگذاری و همچنین نوع نیروی فعال، قلمرو مطالعاتی ژئوپلیتیک شهری، مقیاس شهر و الگوی رقابتی در آن نیز سطوح جهانی، منطقه‌ای، ملی و محله‌های درون شهر است که با توجه به ابعاد مختلف رقابت‌ها، مقیاس شهری مدنظر در ژئوپلیتیک شهری به سطوح بالاتر و پایین‌تر متصل خواهد شد. به این معنا که گاهی ممکن است این فضای رقابتی در پایین‌ترین سطح در میان نیروهای بخش رسمی با یکدیگر و بخش رسمی و غیررسمی در درون محله‌های شهری شکل گیرد؛ یا در فضای ملی، میان نیروهای بخش رسمی یک شهر با نیروهای رسمی شهر یا شهرهای دیگر، نیروهای غیررسمی با نیروهای رسمی و همچنین نیروهای غیررسمی شهر با نیروهای غیررسمی شهر یا شهرهای دیگر در یک قلمرو سرزمینی باشد؛ یا میان نیروها و عناصر رسمی با یکدیگر، نیروهای رسمی و غیررسمی و میان نیروهای غیررسمی شهرهای برتر در کشورهای یک منطقه جغرافیایی فراملی باشد یا در بالاترین سطح و در مقیاس کروی میان نیروها و عناصر رسمی با یکدیگر، نیروهای رسمی و غیررسمی و میان نیروهای غیررسمی شهرهای جهانی و جهان‌شهرها شکل گیرد. ژئوپلیتیک شهری در رقابت میان تمامی این نیروها در مقیاس‌های مختلف موضوعیت دارد.

در چهارچوب اندیشه اقتصاد سیاسی شهر، در فرایند رقابت و تأثیرگذاری یک محله شهری یا یک شهر و برتری آنها بر سایر محله‌ها یا شهرها در فضای درون شهر یا مقیاس‌های مختلف دیگر، ظرفیت‌های

نوع معیشت و سطح درآمدی و اقتصادی حاکم طبقات مختلف شهری است.

شهرها، محل انباشت و دربردارنده مزایا، منافع و فعالیت‌های اقتصادی‌اند. آلفرد مارشال^۱ سه عامل اساسی را در انباشت اقتصادی مؤثر می‌داند: تجمع سرمایه و کارگران ماهر که سبب جابه‌جایی اطلاعات، دانش و مهارت‌ها می‌شود، وجود شرکت‌های صنعتی که کالاها و خدمات عمومی را فراهم می‌کند و نزدیکی جغرافیایی امکانات و تسهیلات و تماس چهره‌به‌چهره که به اطمینان از مبادله اطلاعات منجر می‌شود.

آمین^۲ نیز معتقد است مزایای انباشت‌های شهری بر معایب آن برتری دارد؛ محیط‌های شهری نقشی کلیدی در سهیم‌سازی انتقال و پخش اطلاعات در اقتصاد امروز شهرها ایفا می‌کنند و شهرها، نقاط پایه‌ای مهمی در اقتصاد در حال جهانی‌شدن هستند (شورت، ۱۳۹۰: ۱۲۰).

مهم‌ترین نیروهای فعال و مؤثر در فضای شهر به دو بخش رسمی و غیررسمی تقسیم‌بندی می‌شوند. در بخش نیروهای رسمی نخست دولت و مراکز و ادارات زیرمجموعه آن و سپس نهادهای عمومی غیردولتی و در رأس آنها شهرداری قرار دارد. بخش غیررسمی نیز شامل همه مراکز زیرمجموعه بخش خصوصی است.

شهرها با برخورداری از این نیروهای فعال و فضاهای با توانمندی‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، علمی و سیاسی، کانون اصلی قدرت و سرمایه‌های اقتصادی هستند که در نگاه سلسله‌مراتبی به آنها، بعضی در رده اول تأثیرگذاری اقتصادی، هم

^۱ Alfred Marshall

^۲ Amin

شهری مسلط می‌شوند که از قدرت لازم برای تأثیرگذاری برخوردارند و با حق انتخاب، نقاط مرغوب شهر را برای فعالیت و سکونت برمی‌گزینند؛ این فرایند منجر به تقسیم طبقاتی جامعه شهری در نیروها و گروه‌های مختلف می‌شود و چهره شهر و محل زندگی آنها را از هم متمایز می‌کند. در واقع جدایی‌گزینی اکولوژیکی از این واقعیت سرچشمه می‌گیرد که ساکنان شهرها از نظر درآمد، مذهب، نژاد، پایگاه اجتماعی - اقتصادی به گروه‌های گوناگون تقسیم می‌شوند؛ از این رو انتخاب محله مسکونی با رقابت‌های گروه‌های شهری در جریان است و گروهی پیروز می‌شود که قدرت و درآمد بیشتری دارد و در نهایت رقابت‌ها منجر به جدایی‌گزینی اکولوژیکی گروه‌ها می‌شود؛ بنابراین گروه‌های با جایگاه اجتماعی - اقتصادی، اعتقادات مذهبی یکسان یا هم‌نژاد گرد هم می‌آیند و منطقه یا محله‌ای را برای سکونت برمی‌گزینند. به موازات جدایی‌گزینی اکولوژیکی، هریک از محله‌های شهری مشخصات ویژه‌ای به خود می‌گیرند و از چهره و بافت معینی پیروی می‌کنند که با سایر محله‌ها تفاوت دارد (شکویی، ۱۳۶۵: ۲۹).

بر این اساس مهم‌ترین شرایط و عواملی که رقابت بر سر دستیابی به فضاهای شهری میان نیروها، گروه‌ها و طبقات شهر یا به تعبیر دکتر شکویی «هجوم اکولوژیکی» را سبب می‌شود، سرمایه‌گذاری بر روی زمین‌ها و فضاهای شهری و ایجاد امکانات شغلی، رفاهی، سکونتی و فرهنگی، تحقق شکوفایی اجتماعی - اقتصادی یک شهر یا بخشی از فضای آن، رقابت‌های اقتصادی شرکت‌ها و مؤسسات در بخش‌هایی از شهر، افزایش تحرک اجتماعی و جابه‌جایی در فضاهای شهر (موقعیت شغلی)، نقش

اقتصادی، مؤلفه مؤثری است که بر چگونگی مدیریت و تخصیص منابع کمیاب و نقش قدرت نیروها، گروه‌ها و طبقات اجتماعی در اختصاص این منابع و همچنین ارتقای حوزه نفوذ و تسخیر فضاهای شهری تمرکز می‌کند. نابرابری و نامتعادلی در برخورداری نیروهای تأثیرگذار اعم از کنشگران شهری رسمی و غیررسمی و همچنین گروه‌ها و طبقات اجتماعی از منابع و تلاش آنها برای اعمال نفوذ و دستیابی به فضاهای بیشتر، در هر مقیاسی از بعد محلی در شهر تا بعد ملی، منطقه‌ای و جهانی، منشأ رقابت است. در این فضای رقابتی، کنشگران، گروه‌ها و طبقاتی که از منابع قدرت بیشتری برخوردارند، تدبیر امور را در دست می‌گیرند. در همین راستا، سیاست‌های ناکارآمد دولت‌ها در مقام کنشگر و نیروی رسمی مؤثر و ضعف آنها در کنترل منابع به نامتعادلی‌ها در شهر دامن می‌زند و منشأ رقابت و حتی نزاع طبقات شهری با یکدیگر یا خشونت علیه دولت می‌شود؛ همچنین متأثر از اقتصاد سیاسی شهر، در فضای داخلی شهر و در سطوح فرامحلی، جدایی‌گزینی اکولوژیکی نیز مطرح می‌شود.

اکولوژی سیاسی شهر متأثر از مفهوم «تنازع برای بقا» در اندیشه داروین است و این موضوع را برای فضای شهر معادل‌سازی می‌کند. به این معنی که در فضای شهری هریک از ساکنان و طبقات اجتماعی شهر و نیروها و گروه‌های سیاسی و اجتماعی برای ارتقای جایگاه خود و دستیابی به منابع و فضاهای شهری به‌ویژه منابع محدود و کمیاب و فضاهای با ارزش اقتصادی، فعالیت و رقابت می‌کنند. هدف از این رقابت، کسب موقعیت و جایگاه در شهر و اعمال سلطه و قدرت بر سایر مؤلفه‌ها و اجزا و عناصر شهر است. در این رقابت‌ها، نیروها و گروه‌هایی بر فضای

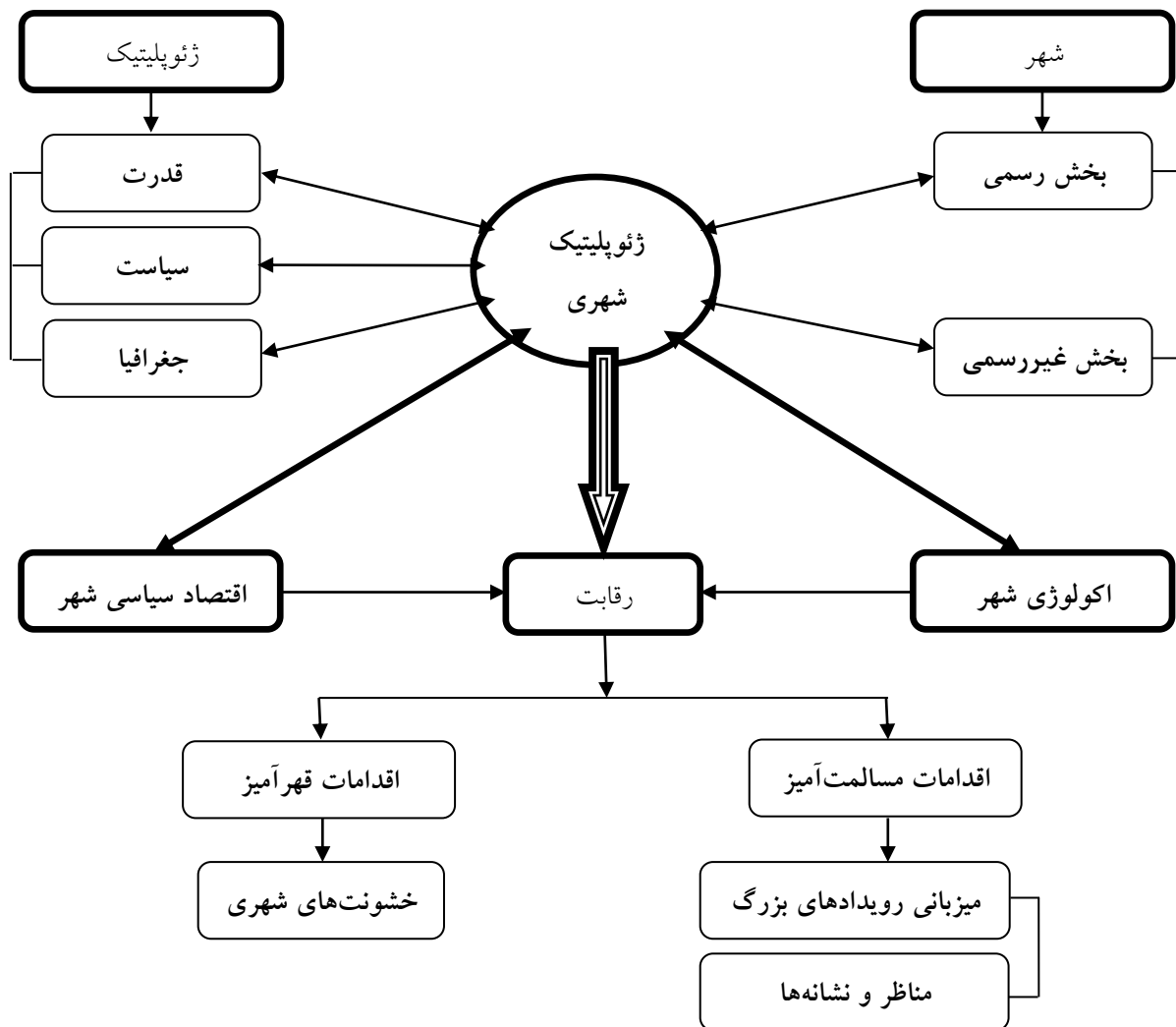
قدرت آن دارد؛ یعنی به هر میزان که قدرت یک شهر یا نیرو و عنصر شهری بیشتر باشد، مقیاس رقابت آن بیشتر و بالاترین درجه آن رقابت و تأثیرگذاری یک شهر یا نیروی شهری در فضای کروی است.

فضای رقابتی سبب می‌شود یک شهر در سطح ملی رشد و در سطح منطقه‌ای و جهانی خود را مطرح و با سایر شهرها رقابت کند و الگوهای رقابتی شکل می‌گیرد تا جایگاه خود را ارتقا دهد و دایره تأثیرگذاری بیشتری داشته باشد. این رقابت به صورت عمودی در فضای ملی و به صورت افقی در سطح منطقه‌ای شکل می‌گیرد؛ اما در مقیاس‌های محلی، ملی، منطقه‌ای و جهانی، موضوع رقابت در فضای شهری در ابعاد سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و علمی است و این رقابت - که برآیند مؤلفه‌های سیاست و قدرت در فضای شهر است - خلق‌کننده گفتمانی جدید می‌شود که در دو قالب رقابت مسالمت‌آمیز یا حرکتی قهرآمیز در فضاهای شهری نمود می‌یابد. نمونه بارز رقابت‌های مسالمت‌آمیز شهرها در مقیاس فراملی (منطقه‌ای و جهانی)، تلاش و رقابت بر سر میزبانی رویدادهای بزرگ^۱ و نمونه رقابت مسالمت‌آمیز شهرها در مقیاس محلی و ملی، خلق مناظر شهری است. در چهارچوب حرکت‌های قهرآمیز نیز انواع خشونت‌های شهری از آشوب‌های خیابانی، جنگ و درگیری میان طبقات شهری گرفته تا اقدامات تروریستی مطرح است که ممکن است هریک از مقیاس‌های محلی تا کروی را شامل شود.

عوامل سیاسی در برنامه‌ریزی‌های شهری، افزایش جمعیت و تغییر ترکیب آن و تشدید مهاجرت‌های روستایی به شهر است (همان، ۳۰ و ۳۱).

براساس نظریه اکولوژی سیاسی شهر، نیرو یا عنصری که در سطح محلی فضای شهر در رقابت با سایر نیروها و عناصر در جایگاه برتر قرار می‌گیرد، از این توانمندی برخوردار است که مقیاس عملکردی و فعالیت خود را به سطوح ملی، منطقه‌ای و جهانی ارتقا دهد و جدایی‌گزینی اکولوژیکی علاوه بر سطح محلی در سطوح بالاتر نیز شکل گیرد. در همین ارتباط گروه‌ها و نیروهای تأثیرگذار و رقیب در فضای شهر واقف‌اند نیرویی که قدرت و منابع اقتصادی را در فضای شهر در کنترل دارد، از قدرت و نفوذ در سایر عرصه‌ها به‌ویژه سیاست و فرهنگ نیز برخوردار می‌شود و فضاهای مختلف را به عرصه نفوذ و قدرت خود درمی‌آورد. بر خورداری از توان اقتصادی، تولید قدرت می‌کند؛ اما در تلاش برای کسب قدرت و تأثیرگذاری در فضاهای شهری، استفاده از توانمندی اقتصادی به‌تنهایی نقش‌آفرین نیست؛ بلکه با بهره‌گیری از ابزار سیاست و اتخاذ راهبرد عملیاتی، سودبخش خواهد بود. در واقع سیاست و برنامه‌ریزی در ابعاد مختلف اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و علمی، ساری و جاری و عنصری جدایی‌ناپذیر در روابط اجزای شهر است. برآیند اعمال سیاست و تلاش برای کسب قدرت و افزایش تأثیرگذاری، تولید رقابت در روابط عناصر و نیروهای مختلف شهر اعم از بخش‌های خصوصی و دولتی و طبقات اجتماعی است. سطح رقابت از مقیاس محلی تا ملی، منطقه‌ای و جهانی متغیر است. افزایش دایره نفوذ و رقابت یک شهر یا یک عنصر در فضای محلی، ملی، منطقه‌ای و جهانی نیز رابطه‌ای مستقیم با

^۱ Mega Events



مدل ۲. تبیین مفهوم رقابت در ژئوپلیتیک شهری

منبع: نگارندگان

رویدادهای بزرگ و ژئوپلیتیک شهری

رویدادهای بزرگ اشاره به وقایع فرهنگی و ورزشی دارد که برگزاری آنها بر اقتصاد تأثیر می‌گذارد و پیوسته توجه رسانه‌های جهانی را به خود جلب می‌کند (Gold and Gold, 2011: 1). این رویدادها با ظهور اقتصاد فرهنگی و مصرف‌گرایی حاصل از اندیشه سرمایه‌داری در سال‌های اخیر شدت گرفته است و شهرهای مختلف جهان برای میزبانی این رویدادها با یکدیگر در رقابت‌اند. جام جهانی فوتبال،

بازی‌های المپیک، مسابقه آواز یوروویژن و ... از رویدادهایی‌اند که شهرها برای کسب میزبانی و برگزاری آنها با هدف استفاده از فرصت‌ها و امتیازات بالقوه و بالفعل اقتصادی و فرهنگی با یکدیگر رقابت می‌کنند (Müller and Steyaert, 2013: 139). میزبانی شهرها در رویدادهای بزرگی از قبیل بازی‌های المپیک برای مردمان آنها یک برند ملی محسوب می‌شود و ایجاد ذهنیتی جهانی را درباره آن شهر در پی دارد (Fan, 2010: 101).

علاوه بر برندسازی ملی و اهداف اقتصادی و ایجاد اشتغال و فرصت‌های تجاری و عقب‌نماندن از جریان اقتصاد جهانی، بازسازی و نوسازی فضاهای شهری نیز از اهداف مستقیم میزبانی رویدادهای بزرگ است. بازسازی شهری را می‌توان چشم‌اندازی جامع و یکپارچه و اقدامی در جهت حل مشکلات شهری با هدف تغییر در شرایط اقتصادی، اجتماعی، فیزیکی و زیست‌محیطی دانست که توسعه‌ای پایدار را برای یک منطقه به وجود می‌آورد (Roberts and Sykes, 2000: 17)؛ برای نمونه قرارگیری کمپ المپیک در خلیج کوچک همبوش در سیدنی استرالیا، فرصتی را برای رسیدن به توسعه زیربنایی، زیست‌محیطی و اجتماعی در این منطقه فراهم کرد که محلی به شدت آلوده بود. بازی‌های المپیک لندن نیز در انتهای شرق در امتداد دره لی برگزار شد که منطقه‌ای محروم بود و توسعه این منطقه را در پی داشت (Müller and Steyaert, 2013: 146).

انتخاب این مکان‌ها برای میزبانی رویدادی بزرگ، کمک به مقابله با نگرانی رو به رشد توسعه‌نیافتن یک مکان و ابزاری برای بازسازی مناطق است. رویدادهای بزرگ، مداخله‌ای بسیار مهم در توسعه فراتر از اهداف ورزشی برای شهر میزبان است و طیف گسترده‌ای از تغییرات اقتصادی، فرهنگی، زیست‌محیطی و اجتماعی را شامل می‌شود. در واقع با نقش رویدادهای جهانی در تصمیم‌گیری‌های محلی، رویدادهای بزرگ ماهیت سیاست‌های شهری را به ژئوپلیتیک شهری تغییر داده‌اند. سیاست شهری این است که از راه یک رویداد، پیشرفت در شهر ایجاد شود و بازسازی شهر و کارآفرینی و جانمایی صورت گیرد. این باعث همگرایی اقتصادی، تولید کالای فرهنگی و رونق

در کنار این وقایع باید به رویدادهای سیاسی و دیپلماتیک نیز اشاره کرد که کشورها در تلاش‌اند شهرهای خود را میزبان برگزاری آنها کنند. در سال‌های اخیر میزبانی ژنو و لوزان سوئیس و وین اتریش برای مذاکرات هسته‌ای ایران و پنج عضو دائم شورای امنیت سازمان ملل یعنی روسیه، آمریکا، چین، فرانسه و انگلیس به علاوه آلمان موسوم به کشورهای ۵+۱ و میزبانی آستانه قزاقستان، ژنو سوئیس و سوچی روسیه برای مذاکرات صلح دولت سوریه و معارضان و ... نمونه‌هایی از این تلاش‌هاست.

کشورها با هدف کسب برند و وجهه‌ای جهانی و ارائه تصویری مناسب از ملت و سرزمین خود برای میزبانی رویدادهای بزرگ تلاش می‌کنند (Fan, 2010: 101). میزبانی این رویدادها، ابزاری در جهت دیپلماسی عمومی و اعمال قدرت نرم حکومت‌هاست که از طریق آنها فرهنگ ملی خود را برای جهانیان به نمایش می‌گذارند و با جذب مخاطب از اقصی نقاط جهان، اهداف اقتصادی خود را پیگیری می‌کنند.

برخی معتقدند میزبانی رویدادهای بزرگ فرصتی را نیز در اختیار حکومت‌های دیکتاتور و غیردموکرات قرار می‌دهد تا از این راه و با بهره‌گیری از احساسات ملی برای خود مشروعیت به دست آورند و همچنین بعضی سیاست‌های بین‌المللی و دیپلماتیک را با استفاده از این فرصت به انجام برسانند. این موضوع ممکن است نتیجه عکس هم داشته باشد؛ به این معنا که به جای ارائه تصویری مثبت از فرهنگ مردمی و رضایتمندی سیاسی و احساسات ملی، بر اثر بعضی اعتراضات، تصویری از نارضایتی‌ها و بی‌ثباتی سیاسی را مقابل لنز دوربین‌های جهان به نمایش بگذارد (Müller and Steyaert, 2013: 141-143).

اقتصاد فرهنگی می‌شود و در نهایت فضای شهر را به‌واسطهٔ رویدادهای با ماهیت مگا ایجاد می‌کند. این رویدادها، به رقابت میان شهرهای جهانی برای میزبانی و استفاده از مزایای آنها به‌ویژه در زمینهٔ منافع اقتصادی و توسعهٔ شهری دامن می‌زند (Ibid).

جان رنه شورت معتقد است شهرها در جست‌وجوی جایگاه جهانی برای سلطه و فرماندهی و نیز نمایش‌های بین‌المللی رقابت می‌کنند و یک راه‌حل خوب این است که به دنبال میزبانی المپیک تابستانی باشند. وی تأکید می‌کند این بازی‌ها گذشته از اینکه فرصتی برای نمایش‌های باشکوه و دستیابی به شناخت و شهرت بین‌المللی‌اند، شرایط را برای تجارت و دادوستد و انجام پروژه‌های بزرگ توسعهٔ شهری نیز فراهم می‌کنند (شورت، ۱۳۹۰: ۱۳۸ و ۱۳۹).

در کنار مزایایی که برای رویدادهای بزرگ گفته شد، این رویدادها آثار منفی نیز دارند که شاید چندان ملموس نباشند؛ از جمله افزایش سرسام‌آور قیمت مسکن در شهرهای محل وقوع آنها و تأثیرگذاری فرهنگ‌های گوناگون جهانی بر اصول فرهنگی محلی با ورود گردشگران با فرهنگ‌های متفاوت از نقاط مختلف جهان؛ همچنین هزینه و سرمایه‌گذاری برای توسعهٔ یک منطقه یا شهری خاص و توجه کمتر به توسعهٔ سایر نقاط شهری ممکن است با اعتراضات و نارضایتی مردم مناطقی همراه باشد که در فقر و محرومیت‌اند و در پی آن به نارضایتی عمومی و خشونت‌های شهری دامن‌زند (Müller and Steyaert, 2013: 148).

در مجموع رویدادهای بزرگ، پدیده‌های مدرن با مزایایی که برای کشورها و به‌ویژه شهرهای محل برگزاری دارند، کانون رقابت شهرها در مقیاس

منطقه‌ای و جهانی به‌ویژه در میان شهرهای جهانی و جهان‌شهرهای مطرح برای دراختیارگرفتن میزبانی آنها هستند. باید توجه داشت این رویدادها همیشه در سطح کروی نیستند و ممکن است در سطحی پایین‌تر و در مقیاس منطقه‌ای و قاره‌ای باشند؛ مانند بسیاری از مسابقات فرهنگی و ورزشی و رویدادهای سیاسی و دیپلماتیک که در سطح قاره‌ها و مناطق مختلف جهان برگزار می‌شوند. در چنین شرایطی، قدرت و توانمندی یک شهر تعیین می‌کند میزبان رویدادی بزرگ در مقیاس کروی باشد یا اینکه به میزبانی رویدادی در سطح قاره‌ای و منطقه‌ای اکتفا کند. در واقع شهرهای برتر جهان در رقابت برای میزبانی رویدادهای بزرگ در مقیاس کروی هستند و شهرهای با قدرت منطقه‌ای در سطح قاره‌ای و منطقه‌ای برای میزبانی رقابت دارند. این شهرها با اشراف به منافع اقتصادی، سیاسی و فرهنگی که میزبانی رویدادهای بزرگ دارد، با سرمایه‌گذاری و تلاش دوچندان و رقابت با یکدیگر درصدد جلب نظر نهادهای متولی هستند. این موضوع از بار ژئوپلیتیکی در شهرها برخوردار است و مؤلفه‌های ژئوپلیتیک شهری در آنها دیده می‌شود. از سوی دیگر در تلاش برای کسب میزبانی رویدادهای بزرگ، کشورها و شهرهایی موفق خواهند بود که از قدرت و توان تأثیرگذاری بر نهادهای تصمیم‌ساز و کدهای ژئوپلیتیکی مطابق با سیاست‌های جهانی برخوردار باشند و بتوانند اجماع بیشتر دست‌اندرکاران برگزاری این‌گونه رویدادها را جلب کنند و پیروز این رقابت شوند. شهرهایی که موفق به کسب میزبانی و انجام موفق این رویدادهای بزرگ می‌شوند، در عرصهٔ جهانی و در سطح فضای ملی مطرح و جاذب امکانات اقتصادی، فرهنگی و سیاسی می‌شوند و بر قدرت آنها

منظر در دنیای امروز، موجودی زنده و پویاست که از یک سو متأثر از انسان و نحوه ارتباط او با محیط است و از سوی دیگر با تداعی خاطراتی که در زمان‌های طولانی بر بستر آن روی داده است، بر ارتباط او با محیط تأثیر می‌گذارد و به دنبال آن، فرهنگ و تمدن انسان‌ها را تغییر می‌دهد. منظر از یک سو فقط در کالبد خلاصه نمی‌شود؛ زیرا کیفیت و معنا را هم دربردارد و از سوی دیگر مفهومی تجریدی و انتزاعی نیست؛ زیرا از طریق کالبد و حواس فهم می‌شود؛ بنابراین پدیده‌ای است که به واسطه ادراک انسان از محیط و تفسیر ذهن، توأمان حاصل می‌شود و عینی - ذهنی است (آتشین‌بار، ۱۳۸۸: ۴۹).

منظر شهر همچنین مجموعه‌ای از عوامل طبیعی و مصنوع است که متأثر از ویژگی‌های خاص طبیعی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی آن شهر شکل گرفته و محل به عینیت درآمدن مشخصات خاص آن است. منظر شهری، مقوله‌ای مطرح در کیفیت و مطلوبیت شهرها، واقعی و عینی است و نتیجه مشاهده و درک مظاهر گوناگون و ملموس شهر اعم از بناها، فضاها، فعالیت‌ها، صداها و بوها هنگام مواجهه شهروند با پدیده شهر در مقیاس‌های مختلف، اعم از دیدن شهر از دوردست یا هنگام قرارگرفتن در شهر یا حتی استقرار در بناها محسوب می‌شود (محمولی ابیانه، ۱۳۹۰: ۹۶).

مناظر شهری در دسته‌بندی کلی و براساس موضوع به دو دسته تاریخی و فرهنگی اعم از آثار و بناها، محله‌ها، خیابان‌ها، میدان‌ها و... و مناظر جدید شامل انواع تابلوهای تبلیغاتی و بیلборدهای نصب‌شده در سطح شهر، دیوارنویسی‌ها، ماکت‌ها و... تقسیم‌بندی می‌شوند که بخش‌های خصوصی و دولتی آنها را با

برای اعمال نفوذ در شهروندان و سایر فضاها سطح ملی، منطقه‌ای و جهانی افزوده می‌شود.

بعد سیاسی نشانه‌های شهری

هر مکانی اعم از شهر و روستا، چهره و ظاهری در کالبد، بافت و اجزا دارد و برخوردار از نمادها و نشانه‌های خاص خود است که معرف آن مکان برای مخاطبان می‌شود؛ نشانه‌ها و نمادهایی که از دیرباز انسان‌ها و ساکنان یک مکان خلق کردند و می‌کنند، دربردارنده پیام‌ها و معرف فرهنگ حاکم بر آن مکان است. شهرها از گذشته تاکنون نشانه‌ها و نمادهایی را در دل خود داشته‌اند که هر یک از آنها یادآور خاطرات و وقایع تاریخی تلخ و شیرین برای شهروندان است که در طول زمان پاس داشته و به بهانه‌ها و با ابزارهای مختلف یادآوری شده‌اند.

بخشی از این نشانه‌ها و نمادها تاریخی‌اند و اشاره به وقایع سیاسی، فرهنگی، مذهبی و اجتماعی یک ملت در گذشته دارد؛ در حالی که بخش عمده دیگر، به مرور و براساس شرایط روز و با اهداف خاص خلق شده‌اند.

همه این نمادها و نشانه‌ها که از گذشته و در پی رویدادهای سیاسی، فرهنگی، مذهبی و اجتماعی در شهر خلق، یادآوری و حفظ شده‌اند و نمادها و نشانه‌هایی که به مرور و با اهداف مختلف ایجاد و تمامی انواع ابزارهای تبلیغاتی که با اهداف سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی برای جهت‌دهی به افکار و رفتارهای شهروندان خلق می‌شوند، چهره خاصی به شهرها بخشیده‌اند و می‌بخشند و مناظر خاصی را به نمایش می‌گذارند که آنها را «منظر شهری» می‌نامند.

منتقدان و مخالفان دامن می‌زند و احتمال دارد به محلی برای وقوع ناآرامی‌ها و خشونت‌های شهری ضدحکومتی تبدیل شوند. از سوی دیگر معمولاً حکومت‌ها از این مکان‌ها برای پیگیری سیاست‌های خود در چهارچوب تجمعات و راهپیمایی‌های مناسبی بهره می‌برند.

درباره مناظر جدید شهری، هریک از آنها، مؤلفه‌های ژئوپلیتیکی قدرت، سیاست و رقابت را پررنگ‌تر از مناظر تاریخی و فرهنگی در دل خود دارند و در دنیای کنونی که متأثر از ترویج فرهنگ سرمایه‌داری و مصرف‌گرایی است، این موضوع به نحو بارزی در فضاهای شهری محسوس و ملموس است. استفاده از تابلوهای تبلیغاتی و بیلبوردها در فضاها و مناطق شهری در حال حاضر عمده‌ترین ابزار تبلیغاتی در راستای اهداف فرهنگی، اقتصادی و سیاسی صاحبان قدرت در شهر یا به بیانی نیروهای رقیب اعم از نیروهای دولتی و خصوصی است. این تابلوها و بیلبوردها حاوی پیام‌هایی برای شهروندان با هدف جذب آنها، خلق‌کننده نشانه‌ها و نشان‌دهنده این موضوع‌اند که قرار است پیامی را منتقل کنند و این پیام می‌خواهد تصویری ذهنی را برای بیننده خلق کند. درواقع تابلوها به منزله بخشی از منظر شهری، چهار جنبه آرایشی - تزئینی، عملکردگرا، زمینه‌گرا و پایدار به شرح زیر دارند:

- ۱- جنبه زیباشناختی عینی شامل رنگ، خط، شکل، اندازه و موقعیت قرارگیری؛
- ۲- جنبه عملکردی شامل معرفی کالا، تبلیغات و انتقال مفاهیم؛
- ۳- جنبه زمینه‌ای شامل ارتباط با زمینه کالبدی، فرهنگی و تاریخی؛

اهداف خاص فرهنگی، اقتصادی و سیاسی خلق می‌کنند.

هریک از این مناظر حاوی نمادها و نشانه‌ها و دربردارنده پیام‌هایی برای مخاطبان و شهروندان است. خلق‌کنندگان بخشی از مناظر شهری که تاریخی و فرهنگی‌اند، حکومت‌ها و شهروندان گذشته بوده‌اند و بخش دیگری از این مناظر را کنشگران دولتی و فعالان بخش خصوصی ایجاد می‌کنند که در راستای تحقق اهداف سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی و براساس میزان قدرت و نفوذ و توان تأثیرگذاری است. مناظر تاریخی و فرهنگی مربوط به زمان‌های گذشته است و معمولاً به صورت همیشگی و ثابت در فضای شهر دیده می‌شود؛ مگر اینکه بنا بر تصمیمی از چهره شهر حذف شوند؛ اما مناظر جدید ممکن است هم جنبه ثابت و همیشگی در فضای شهر داشته باشند و هم به صورت موقت و مقطعی عمل کنند؛ البته به دلیل کارکرد خاص آنها عمدتاً موقت‌اند و همیشه در فرایند نوسازی تغییر می‌کنند.

هر دو گونه مناظر شهری، مؤلفه‌های ژئوپلیتیکی و عنصر قدرت و رقابت را در خود دارند و از کارکرد ژئوپلیتیکی در فضای شهر برخوردارند. نمادها و نشانه‌های تاریخی که یادآور واقعه، نمایانگر فرهنگ و حاوی پیامی عمدتاً سیاسی از گذشته تا امروز هستند، متأثر از سیاست‌های حکومتی و قدرت غالب، تبدیل به نمادی پایدار شده‌اند. این مناظر به دلیل تأثیرپذیری از سیاست‌ها، عمدتاً پیام‌هایی متضاد را به مخاطبان ارائه می‌کنند؛ به این معنی که موافقان، مخالفان و منتقدان سیاست‌های حکومتی هریک پیام‌های متفاوتی را از آنها می‌گیرند. این موضوع به رقابت‌ها در فضای شهر و همچنین در فضای مجازی میان حکومت و

اقتصادی لازم را در اختیار داشته باشند و با بهره‌گیری از این توانمندی‌ها و اعمال سیاست و برنامه‌ریزی، از بهترین امکانات برای تبلیغات در جذب مخاطب شهری و تسخیر فضاهای شهری بهره‌برند.

خشونت‌های شهری

خشونت‌های شهری از اقدامات قهرآمیزی است که به دلایل و اهداف مختلف به وقوع می‌پیوندد. در دسته‌بندی کلی و در ارتباط با ژئوپلیتیک شهری، خشونت‌های موجود در فضای شهر به انواع اعتراضات و آشوب‌های خیابانی و برخوردها و واکنش‌های قهرآمیز نیروهای حکومتی با معترضان، درگیری‌های داخلی میان گروه‌ها و طبقات مختلف شهر، جنگ و اقدامات تروریستی در فضای شهر تقسیم‌بندی می‌شود.

درباره دلایل وقوع خشونت‌ها و درگیری‌ها در فضاها و مکان‌های شهری، عوامل مختلف سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی دخیل‌اند. بعضی از دلایل، سیاسی و در جهت تغییر حکومت و دولت است. در این صورت خشونت‌ها به شکل اعتراض و آشوب شهروندان، جنگ کشوری خارجی علیه کشوری دیگر و اقدامات گروه‌های تروریستی سازمان‌یافته در شهرهای مختلف از جمله پایتخت، علیه حکومت یا دولت است که با تسخیر فضاهای شهری از قبیل نقاط حساس و کلیدی شهر ممکن است حکومت را با مشکل اساسی مواجه کنند. نمونه این امر انقلاب‌های عربی به‌ویژه در مصرند؛ میدان التحریر قاهره به تسخیر مخالفان حکومت درآمد و به سقوط حکومت حسنی مبارک منجر شد. از سال ۲۰۱۰ میلادی تاکنون بیشتر در اعتراضاتی که در

۴- جنبه پایداری شامل پایداری کالبدی و پایداری اجتماعی (قلعه‌نویی و همکاران، ۱۳۹۰: ۳۱).

توجه به ظرافت‌های تبلیغاتی در قالب تابلوها و بیلبوردها و رعایت ملاحظات و دقت‌ها در تبلیغات، نشان‌دهنده اهمیت موضوع برای نیروهای رقیب است که درصدد دراختیارگرفتن فضای شهری و اذهان شهروندان هستند. در همین زمینه هریک از مناطق شهری معانی خاصی دارند. در فضای شهر در قالب‌های رقابتی، نشانه‌ای خلق و نشانه پیشین حذف و پنهان و با آن وارد رقابت می‌شود. شهرها به عرصه جنگ نرم تبدیل شده‌اند و پیش‌بینی می‌شود جنگ آینده، جنگ آیکون‌ها و بیلبوردها باشد. با وجود گسترش روزافزون دسترسی به فضای مجازی، ممکن است عده‌ای همچنان در شهر به فضای مجازی دسترسی نداشته باشند، ولی بیلبوردهای شهری را می‌بینند و با آنها معانی جدید القا می‌شوند.

مناظر شهری جدید به‌ویژه تبلیغات بیلبوردی به افراد القا می‌کنند چه کسی در شهر قدرت بیشتری دارد. جنگ آیکون‌ها و بیلبوردها به این اشاره دارد که چه کسی می‌خواهد در سطح شهر برنده شود. هرکسی که در فضای رقابت شهری پیروز شود، سیاست شهر را تنظیم و الگوهای رقابت را در شهر کنترل می‌کند؛ بنابراین پیغامی، هم برای تصمیم‌سازان و سیاستمداران فضای ملی و هم فراملی است.

درواقع نیروهای رقیب در فضاهای شهری با استفاده از تبلیغات و بهره‌گیری از مناظر شهری اهداف اقتصادی، سیاسی و فرهنگی خود را پیگیری می‌کنند و درصددند فضاهای مختلف شهری را عرصه نفوذ و قدرت خود قرار دهند و بر آنها مسلط شوند. در این میان نیروهایی موفق خواهند بود که قدرت و توان

شهرها به‌ویژه در ترکیه، بحرین و اوکراین انجام شده، میادین، مکان‌ها و فضاهای اصلی برای تحقق هدف بوده است. در جنگ‌های کشورها علیه یکدیگر نیز همواره شهرهای اصلی و نقاط راهبردی آماج حملات و اشغال بوده است.

بخش دیگری از خشونت‌های شهری ریشه اقتصادی و اقتصاد سیاسی دارد؛ به این معنا که نارضایتی شهروندان از سیاست‌های اقتصادی دولت و فشار اقتصادی ناشی از آن و بیکاری، منجر به اعتراضات و آشوب‌های خیابانی علیه دولت می‌شود که بیشتر اعتراضات و خشونت‌های خیابانی رایج در کشورهای مختلف از این موضوع نشئت می‌گیرد. عرصه بروز و ظهور این نوع اعتراضات نیز در فضاها و مکان‌های اصلی تأثیرگذار شهر است.

نوع دیگر آشوب‌ها ممکن است دلایل فرهنگی و هویتی و ریشه در توهین به خرده‌فرهنگ‌ها و گروه‌های اجتماعی اقلیت ساکن شهر یا نادیده گرفتن حقوق آنها توسط حکومت‌ها یا سایر اقوام و طبقه اکثریت داشته باشد که در این نوع نیز معترضان با اشغال فضاهای شهر به صورت موقت یا همیشگی در پی تحقق مطالبات خود هستند.

تغییرات اقلیمی و بحران‌های زیستی نیز زمینه‌ساز آشوب‌های شهری است که در دهه‌های اخیر شهرهای بزرگ شاهد آن بوده‌اند.

نقش قدرت و سیاست در ساخت و مدیریت فضا و برآیند آنها یعنی رقابت، در تحلیل ژئوپلیتیکی خشونت‌های شهری بارز است؛ به این معنا که در انواع اعتراضات و آشوب‌های خیابانی، نقش سیاست‌های دولتی و حکومتی، عملکرد نهادهای رسمی و غیررسمی، رقابت نیروهای تأثیرگذار شهری،

نارضایتی بخشی از گروه‌های اجتماعی از نتایج اقدامات سیاسی از قبیل انتخابات یا فراندوم‌ها و... دیده می‌شود. در همه اینها چه از طرف نیروهای رسمی و غیررسمی تأثیرگذار شهر و چه شهروندانی که اقدامات خشونت‌آمیز انجام می‌دهند، تلاش و رقابت برای به کنترل درآوردن فضاهای شهری و اعمال نفوذ برای تحقق اهداف دیده می‌شود.

در جنگ‌های کشورها علیه یکدیگر، شهرها به‌ویژه شهرهای مهم و پایتخت‌ها و نقاط و فضاهای حساس شهری همواره از مراکز بوده‌اند که هدف و آماج انواع حملات برای تسخیر و کنترل قرار گرفته‌اند. دلیل این اقدام، تحقق سریع اهداف برای سقوط حکومت و چیرگی بر کشور مقابل بوده است.

در گونه‌های جدید خشونت‌های شهری که در قالب اقدامات تروریستی گروه‌های سازمان‌یافته در فضاهای شهری انجام می‌شود، هدف این گروه‌ها دستیابی به فضاهای سرزمینی برای تشکیل حکومت و اعمال حاکمیت است و در این راستا با انجام اقدامات و حملات تروریستی در مراکز و نقاط حساس شهری سعی در تضعیف حکومت مرکزی و تسخیر فضاهای شهری دارند که نمونه آن در سال‌ها و ماه‌های اخیر در سوریه و عراق به وفور دیده شده است.

در مجموع خشونت‌های شهری ریشه و بازتاب‌های ژئوپلیتیکی دارند و تعامل قدرت، سیاست و گفتمان ساخت سازمان فضایی در ایجاد، بروز، انتشار یا مهار آنها مؤثر است.

نتیجه‌گیری

در پژوهش حاضر، پرسش اصلی این است که مفهوم «رقابت» چه نقش و کارکردی در ژئوپلیتیک

تلاش نیروها و گروه‌های تأثیرگذار و کنشگران شهری برای رقابت در کسب قدرت و کنترل فضا و دستیابی به جایگاه برتر، زمینه‌ساز شکل‌گیری مفهوم ژئوپلیتیک شهری هستند. در این چهارچوب، «رقابت»، مفهومی کلیدی در برقراری رابطه اکولوژی سیاسی شهر و اقتصاد سیاسی با ژئوپلیتیک شهری است که در مقیاس‌های جهانی، منطقه‌ای، ملی و محلی، خلق‌کننده اقدامات مسالمت‌آمیزی همچون رقابت برای کسب میزبانی رویدادهای بزرگ در مقیاس جهانی و منطقه‌ای میان شهرهای جهانی یا جهان‌شهرها، نشانه‌های شهری در مقیاس ملی و محلی و اقدامات قهرآمیزی چون خشونت‌ها و درگیری‌های شهری از مقیاس محلی تا جهانی است که هر یک خلق‌کننده فضاهای جدید و خاصی در شهر هستند.

در جهان پس از انقلاب صنعتی و با رشد و گسترش اندیشه سرمایه‌داری، توان تأثیرگذاری و نقش شهرها و تبدیل آنها به کانون دستیابی به قدرت و سرمایه، زمینه را برای طرح نظریه‌های اکولوژی سیاسی و اقتصاد سیاسی شهر فراهم کرد. هریک از عناصر و نیروهای رسمی و غیررسمی شهر نیز در روند فعالیت‌های خود نگاه ترقی‌خواهانه را در اولویت برنامه‌ها قرار داده‌اند و کسب سود و برتری بر سایر کنشگران و نیروهای شهری در مقیاس‌های مختلف فضایی از محلی تا کروی و قرارگیری در جایگاه اول سلسله‌مراتب قدرت شهری در صدر اهداف آنها قرار گرفته است. این موضوع شکل‌دهنده فضای رقابتی در شهر است؛ رقابتی که میان نیروهای رسمی اعم از دولتی و نهادهای عمومی غیردولتی و نیروهای غیررسمی عمدتاً شامل بخش‌های خصوصی بر سر کسب سود و سرمایه و قدرت بیشتر برای برتری بر

شهری دارد. فرضیه نیز این است که به نظر می‌رسد نقش‌آفرینی شهرها، این فضا را برخوردار از قدرت و تبدیل به کانون رقابت میان عناصر و کنشگران شهری در سطوح محلی، ملی و فراملی کرده و منشأ شکل‌گیری ژئوپلیتیک شهری شده و مصادیق اصلی این رقابت‌ها، وقوع اقدامات مسالمت‌آمیز و خشونت‌آمیز، تلاش‌های جهانی برای میزبانی رویدادهای بزرگ و بعد سیاسی‌یافتن مناظر و نشانه‌های شهری است.

در ارزیابی این فرضیه فضای شهر از منظر سازماندهی، مدیریت و روابط بین نیروها و عناصر بررسی می‌شود. روابط دستگاه فکری و ایدئولوژیک، منابع قدرت و سیاست‌های برگرفته از آن در شهر، تولید رقابت می‌کنند. بررسی ماهیت قدرت و تبیین برآیند آن یعنی فرایند رقابت و پیامد آن بر ساخت سازمان فضایی شهر در قالب ژئوپلیتیک شهر ردیابی، بررسی و تحلیل می‌شود.

رقابت در شهر ممکن است در فضای محله‌ها و بافت‌های شهری، میان شهر و پیرامون یا در تعاملات یک شهر با شهرهای دیگر در داخل استان یا قلمرو ملی یا در عرصه منطقه‌ای و جهانی باشد. فضای رقابتی سبب می‌شود یک شهر در سطح ملی رشد و در سطح منطقه‌ای و جهانی خود را مطرح کند و جایگاهش را در رقابت‌های سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و علمی با سایر شهرها ارتقا دهد.

درباره مفهوم رقابت در فضای شهر و طرح موضوع ژئوپلیتیک شهری، دو نظریه اکولوژی سیاسی شهر و اقتصاد سیاسی نقش پررنگی دارند. هر دو رویکرد با اشاره به جدایی‌گزینی‌ها در فضای شهر و

دیگری و کنترل و اشغال حداکثری فضاهای شهری است.

نیروهای فعال شهری که در دو قالب کلی رسمی و غیررسمی از آنها یاد می‌شود، در فرایندی بر پایه توان نفوذ و قدرت آنها در رقابت با یکدیگر برای ارتقای جایگاه و افزایش قدرت و برتری بر دیگری هستند. هدف از این برتری در نهایت در اختیار گرفتن فضای فیزیکی و نفوذ فکری و اندیشه‌ای بر شهروندان و همراهی آنها با خود برای تحقق اهداف است. کنشگر یا نیرویی که در سطح محلی بر نیروهای دیگر غالب می‌شود، در مقیاس ملی وارد عرصه رقابت با سایر نیروهای شهری می‌شود. این جریان رقابتی به صورت سلسله‌مراتبی به مقیاس‌های بالاتر منطقه‌ای و جهانی متصل می‌شود؛ به گونه‌ای که یک نیروی شهری یا یک شهر می‌تواند از نظر قدرت و نفوذ به جایگاهی برسد که وارد فضای رقابتی با شهرهای دیگر در مقیاس جهانی شود و در پی تسخیر فضای کروی باشد. لازمه برخورداری از توان رقابتی برای یک شهر یا نیروی شهری در هر مقیاس فضایی نیز دسترسی به منابع قدرت و در اختیار داشتن منابع اقتصادی از سوی هریک از نیروها و فراهم شدن زمینه کسب توان لازم برای آنها در پیروزی بر رقیبان است.

در توضیح بیشتر این مبحث باید افزود در فضای شهر، صاحبان قدرت سیاسی می‌توانند قدرت اقتصادی را در اختیار بگیرند و صاحبان قدرت اقتصادی نیز قادر به رسیدن به جایگاه‌های سیاسی و مدیریتی شهر هستند. به این معنا که دسترسی به منابع قدرت با انباشت سرمایه به بازتولید روابط قدرت می‌پردازد. در بازتولید روابط قدرت نیز سازمان اجتماعی به کمک سازمان فضایی می‌آید و آرایش

مدنظر خود را ایجاد می‌کند و ریخت خاصی به فضا می‌دهد که زمینه پذیرش سازمان اجتماعی فراهم می‌شود. در نتیجه سازمان اجتماعی برای گسترش عرصه قدرت وارد فرایند رقابت با رقبایی می‌شود که عمدتاً توان بسیاری برای رقابت ندارند و در قالب ایجاد فضای حیاتی، رقابت به سود صاحبان قدرت اقتصادی - سیاسی پیش می‌رود و فضای شهر به اشغال درمی‌آید. ادامه این روند در نهایت قدرت و جایگاه شهر را در فرایند رقابتی با سایر شهرها در مقیاس‌های مختلف ارتقا می‌دهد.

بر مبنای این توضیحات و یافته‌های پژوهش، فرضیه تأیید می‌شود. شهرها با برخورداری از قدرت و نقش آفرینی خود تبدیل به کانون رقابت میان نیروها و کنشگران شهری در سطوح محلی، ملی و فراملی شده‌اند و با عینیت یافتن «رقابت» در مصادیق وقوع اقدامات مسالمت‌آمیز و خشونت‌آمیز، تلاش‌های جهانی برای میزبانی رویدادهای بزرگ و بعد سیاسی یافتن مناظر و نشانه‌های شهری، این مفهوم منشأ شکل‌گیری دانش ژئوپلیتیک شهری شده است.

منابع

آتشین‌بار، محمد، (۱۳۸۸). *تداوم هویت در منظر شهری*، فصلنامه باغ نظر، دوره ۶، شماره ۱۲، ۴۵-۵۶.

افروغ، عماد، (۱۳۷۷). *فضا و نابرابری اجتماعی (ارائه الگویی برای جدایی‌گزینی فضایی و پیامدهای آن)*، تک‌جلد، چاپ اول، تهران، دانشگاه تربیت مدرس.

قلعه‌نویی، محمود، بهرامیان، آرمین و مدنی، فروغ، (۱۳۹۰). نقش تابلوهای تبلیغاتی فروشگاهها در تغییر شکل منظر شهری (مورد مطالعاتی: خیابان چهارباغ عباسی)، فصلنامه مطالعات تطبیقی هنر، سال اول، دوره ۱، شماره ۲، ۲۹-۳۹.

قورچی، مرتضی، (۱۳۹۱). تبیین شکل‌گیری شهرهای جهانی با تأکید بر پیشنهاد راهبرد جهان‌شهرشدن تهران، رساله دکتری به راهنمایی حافظ‌نیا، محمدرضا، دانشگاه تربیت مدرس، گروه جغرافیای سیاسی.

کمانرودی کجوری، موسی، کرمی، تاج‌الدین و عبدی، عطاءالله، (۱۳۸۹). تبیین فلسفی - مفهومی جغرافیای سیاسی شهر، فصلنامه ژئوپلیتیک، دوره ۶، شماره ۳، ۴۴-۹.

محملی ابیانه، حمیدرضا، (۱۳۹۰). ارزیابی مفهوم منظر در طرح‌های شهری (مقایسه تطبیقی سیر تکوین طرح‌های جامع تهران با تجارب جهانی)، فصلنامه باغ نظر، دوره ۸، شماره ۱۷، ۹۵-۱۰۴.

ویر، ماکس، (۱۳۷۰). شهر در گذر زمان، ترجمه شیوا کاویانی، تک‌جلد، چاپ اول، تهران، سهامی انتشار.

Berry, Joe Loble Brian, Frank E Horton and Josephine Olu Abiodun, (1970). **Geographic perspectives on urban systems: with integrated readings**, Prentice-Hall, P 12.

Brown, Nina, (2002). **Robert Park and Ernest Burgess: Urban Ecology Studies, 1925**, Center for Spatially Integrated Social Science, <http://www.csiss.org/classics/content/26>.

خلیل‌آبادی، حسن، (۱۳۹۰). ژئوپلیتیک شهری، تک‌جلد، چاپ اول، تهران، نشر پژوهشی نوآوران شریف.

رحیمی، رضا و گوهرزادگان‌منش، حسین، (۱۳۹۳). تبیین کارکردی مفهوم ژئوپلیتیک شهر با تأکید بر مفهوم قدرت سیاسی، هفتمین کنگره انجمن ژئوپلیتیک ایران با عنوان جغرافیای سیاسی شهر، دانشگاه خوارزمی، ۲۷ و ۲۸ بهمن، ۲.

شکویی، حسین، (۱۳۶۵). جغرافیای اجتماعی شهرها، اکولوژی اجتماعی شهر، تک‌جلد، چاپ اول، تهران، جهاد دانشگاهی، ۳۷-۶.

شکویی، حسین، (۱۳۸۱). اندیشه‌های نو در فلسفه جغرافیا، جلد اول، چاپ پنجم، تهران، گیتاشناسی.

شکویی، حسین، (۱۳۸۳). دیدگاه‌های نو در جغرافیای شهری، جلد اول، چاپ هفتم، تهران، سمت.

شورت، جان رنه، (۱۳۹۰). نظریه شهری (ارزیابی انتقادی)، ترجمه کرامت‌اله زیاری، حافظ مهدی‌نژاد و فریاد پرهیز، تک‌جلد، چاپ دوم، تهران، دانشگاه تهران.

صیامی، قدیر و خلیل‌آبادی، حسن، (۱۳۹۰). ژئوپلیتیک شهری، رویکردی نوین در تحلیل‌های ژئوپلیتیک ایران، فصلنامه جغرافیا و توسعه ناحیه‌ای، دوره ۹، شماره ۱۶، ۱۴۵-۱۶۹.

عالم، عبدالرحمن، (۱۳۷۸). بنیادهای علم سیاست، تک‌جلد، چاپ پنجم، تهران، نشر نی.

- of the War on Terror**, Ashgate Publishing Limited, British Library Cataloguing in Publication Data, P 267.
- Lefebvre, Henri, (1996). **Writings on Cities**, Wiley, P 100.
- Müller, Martin and Chris Steyaert, (2013). **Chapter 10: The geopolitics of organizing mega-events (In: Handbook on the Geopolitics of Business)**, Edward Elgar Pub, Pp 139-148.
- Roberts, Peter and Hugh Sykes, (2000). **Urban Regeneration**, A Handbook, London: Sage, P 117.
- Zimmer, Anna, (2010). **Urban Political Ecology; Theoretical concepts, challenges, and suggested future directions**, Erdkunde, Vol 64, P 348.
- Fan, Ying, (2010). **Branding the Nation: Towards a Better Understanding**, Place Branding and Public Diplomacy, 6 (2). P 101.
- Fernández Álvarez, Rafael, (2012). **Neoliberalism and parks: the urban political ecology of green public space in Mexico City**, Sociedad Hoy, P 89.
- Flint, Colin, (2006). **Introduction to Geopolitics**, London, Routledge, P 33.
- Gold, John R. and Margaret M Gold, (2011). **Olympic Cities: City Agendas**, Planning and the World's Games 1896–2016, Second Edition, New York, Routledge. P 1.
- Graham, Stephan, (2004). **Cities, War and Terrorism: Towards an Urban Geopolitics**, Oxford: Blackwell, P 24.
- Ingram, Alan and Klaus Dodds, (2009). **Spaces of Security and Insecurity Geographies**